

(ترجمه)

هدف از سفر رهبران حماس به ایران

هیئتی از رهبران جنبش حماس به رهبری اسماعیل هنیه، رئیس این جنبش از تهران پایتخت ایران به تاریخ 27 مارچ سال 2024م بازدید کردند و با هر یک از علی خامنه‌ای، رهبر، ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور و حسین عبداللہیان، وزیر خارجه ایران دیدار نمودند.

اسماعیل هنیه در جریان این سفرش به تهران از مواضع و مواضع ایران در قبال فلسطین تقدیر به عمل آورد و سیر جنگ رژیم یهود علیه نوار غزه و تلاش‌های سیاسی برای توقف آن را اظهار داشت و با لحن شدید گفت: «تصویر ارتش اشغال‌گر سرنگون و حقیقتش بدون پیرایش افشا گشته و اکنون در انزوا سیاسی به سر می‌برد. در عین زمان، واقعیت مواضع امریکا و حمایت مطلقش از اشغال‌گر و جنایات آن از قبیل نسل‌کشی دسته‌جمعی واضح گشته است.» هنیه گفت: «صدور نخستین قطعنامه از سوی شورای امنیت بین‌الملل که خواهان آتش‌بس فوری در نوار غزه است، دلالت به انزوای سیاسی بی‌سابقه‌ای اسرائیل دارد.» وی هم‌چنان تأکید ورزید که: «این رأی‌دهی در شورای امنیت، تأیید می‌کند که امریکا قادر نیست که اراده خود را بالای خانواده بین‌المللی تحمیل کند.» هنیه بعد از نشستش با عبداللہیان گفت: «قطعنامه شورای امنیت بین‌الملل دیر صادر گشته و در آن برخی خالیگاه‌های است که باید پر گردد؛ اما قطعنامه در ذات خود اشاره بر این دارد که اشغالگر اسرائیلی در انزوای سیاسی بی‌سابقه‌ای به سر می‌برد.»

چنان‌که اسماعیل هنیه تأکید ورزید: «این رأی‌دهی در شورای امنیت، تأیید می‌کند که امریکا قادر نیست که اراده خود را بالای خانواده بین‌المللی تحمیل کند.» هم‌چنان بیان داشت که: «رژیم صهیونیستی در تحقق هر یک از اهداف نظامی یا استراتژیک خود بعد از حدود 6 ماه از جنگ شکست خورد.» وی علاوه نمود: «اشغال‌گر اسرائیلی هرگز نمی‌تواند معادلاتش را بالای مردم فلسطین تحمیل کند، نه از طریق جنگ و نه هم از طریق سیاست و طوفان اقصی برای مردم فلسطین، دست‌آوردهای بی‌سابقه‌ای را به ارمغان آورد.» و جهان را به "ضرورت ایستادگی در کنار غزه با صبر و استقامت" تشویق و ترغیب کرد.

اما علی خامنه‌ای از دیدار خود با هیئت حماس و به گفته خودش "با استقامت بی‌نظیر نیروهای مقاومت فلسطین" اظهار خوشحالی کرده و آن را تمجید نمود و گفت: «صبر و استقامت تاریخی مردم غزه در مبارزه با جنایات رژیم صهیونیستی و وحشی‌گری آن با حمایت کامل از سوی غرب، یک پدیده بزرگ بوده که در واقعیت اسلام را عزت‌مند ساخت و با وجود حاکمیت دشمن، قضیه فلسطین را به نخستین قضیه جهان مبدل ساخت.» وی هم‌چنان گفت: «از حمایت قضیه فلسطین و مردم مظلوم غزه و مقاومت‌گران هرگز دریغ نخواهیم کرد.»

ایران از قطعنامه شورای امنیت که خواهان آتش‌بس فوری بود به طور رسمی استقبال کرد و ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران گفت: «رویدادهای اخیر در غزه برای امریکا و برخی از کشورهای غربی که حامی رژیم صهیونیستی و قاتل اطفال هستند، یک رسوایی بزرگ دیگر بوده و در عین زمان، چهره واقعی امریکا و غرب را برای مردم افشا ساخت.» و نیز بیان داشت: «قضیه فلسطین تحت سایه مقاومت و صلابت قهرمانانه‌ای که مردم غزه آغازگر و پیش‌برنده آن هستند، از مرزهای جهان اسلام پافرازتر گذاشته تا به

قضیه جهانی متعلق به بشریت مبدل گردد.» ابراهیم رئیسی گفت که هر نوع تحرک دیپلوماسی از سوی آمریکا و اسرائیل در منطقه، فریبنده و گمراه کننده است. وی تأکید ورزید: «جهان اکنون می‌داند که اسرائیل منبع بی‌ثباتی امنیت منطقه می‌باشد.» رئیسی نیز اشاره کرد: «کشورهای که برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل تلاش ورزیدند، امروز در برابر مردم خود خجالت‌زده و شرمند اند.» و گفت که ایران: «در حمایت و دفاع از حقوق مردم فلسطین پابرجا بوده و افتخار می‌کند که از قضیه فلسطین حمایت می‌کند.»

همه این اظهارات کلامی که در این سفر بیان شد، در عملکرد سیاسی هیچ ارزشی نداشته و تنها هدفش، باقی ماندن ایران به عنوان رهبر محور مقاومتی است که حماس یکی از اجزاء آن می‌باشد. بنابر این، ایران با حماس به مثابه یکی از ابزار تأثیرگذار خود در منطقه مانند حزب الله، حوثی‌ها و جنگ‌جویان غیرنظامی عراق تعامل می‌کند؛ اما حماس از این جنگ‌جویان قطعاً متفاوت است. وی بسان این جنگ‌جویان نمی‌خواهد کاملاً تابع ایران باشد و ایران را فقط منبعی از منابع حمایت خود دانسته و بس و به دلیل همین حمایت با ایران ظاهراً خوش‌رفتاری می‌کند و تلاش می‌ورزد تا از ایران به نوعی مواقف مستقلی اتخاذ کند. اما ایران بالای حماس فشار وارد کرده و تلاش می‌ورزد تا دستورالعمل‌های خود را بالای آن تحمیل کند تا آن را مهار کرده و از اسرارش آگاه شود.

بنابر این، این سفرهای پی‌هم رهبران حماس به تهران برای اینست که ایران به جهان نشان دهد که این رهبران تابع وی هستند و دلیل آن، سفرهایی است که در آن اظهارات و سخنانی مشابه گفته شده و مقاومت و محورش را تمجید و ایران را در رهبریت این محور خوانده است.

با این حال، مشکل رهبران حماس نسبت به ایران و کشورهای تابع دیگر مانند قطر و مصر بالای این جنبش فشارآور بوده و این را می‌رساند که رهبری خارجی این جنبش تا رهبری داخلی آن متفاوت است. لذا رهبران خارجی به تنهایی خود تصمیم گرفته نمی‌توانند و مجبورند که در اخذ تصمیم به ویژه در اخذ تصمیم حساس به رهبران داخل این نوار رجوع کنند. به همین دلیل است که فشار آوردن بالای حماس در شرایط استثنائی مثل جنگ یک کار دشواری است که اغلب نتیجه نمی‌دهد؛ اینجاست که ایران در تلاش است تا در رهبران داخلی نوار غزه نفوذ کند و نقش اساسی را در روند گفتگو پیرامون نکات بحث‌برانگیز در پرونده تبادل اسیران بازی کند. دیگر این که، حداقل موقعیت مؤثری بسان مصر و قطر داشته باشد و حماس در اخذ تصمیم مهم که متعلق به امور این جنبش است به وی رجوع کند.

واقعیت اینست که ایران در تبعیت و دنبال‌روی خود از آمریکا و غرب با مصر و قطر تفاوتی ندارد؛ مگر در ظاهر؛ اما محتوا یکی بوده و اصل اینست که نباید به وی اعتماد کرد؛ زیرا وی در خدمت پروژه‌های آمریکا بوده و عملکرد گذشته وی در عراق و افغانستان از کسی پوشیده نیست. ایران با زبان آمریکا را دشنام داده و در عمل از دستورات وی متابعت می‌کند!

در روزهای گذشته معلوماتی فاش شد که نشان می‌داد هنیه در دیدار خود از قاهره، پیشنهاد آمریکا را که متعلق به رهایی اسیران در جریان آتش‌بس موقت بود، قبول کرد؛ آتش‌بسی که به مدت 6 هفته برای تسهیل دخول کمک‌ها و کاهش درد و رنج‌های مردم نوار غزه قرار بود به میان آید. اما یحیی سنوار با این آتش‌بس مخالفت کرد و این پیشنهاد را نپذیرفت و برای میانجی‌ها گفت که وی

توافق شامل و کامل می‌خواهد؛ نه توافق محدود و گفت تا زمانی که حماس در موقعیت قدرت باشد حق دارد که شروط خود را تحمیل کند.

این موقف سنوار برای حماس رهبران خارجیِ بسان هنیه و خالد مشعل می‌سازد و گویا که آن‌ها رهبران سمبولیک بوده که سنوار برای شان هیچ اعتنایی ندارد و این به این معناست که گفتگو با آن دو برایش هیچ ارزشی ندارد و هرتزوغ، رئیس‌جمهور اسرائیل چنین گفت که یحیی سنوار ستون اساسی در جنگ غزه بوده و وی کلید رهایی اسیران اسرائیلی است و هر چیزی با سنوار شروع و ختم می‌شود.

برگرفته از شماره 489 جریده الرایه

نویسنده: استاد أحمد الخطوانی

مترجم: محمد مزمل